



## «افغانستان به روایت دیگر» صدای مطالبه زنان و مردان برای جامعه‌ای باز و فراگیر در افغانستان است

کمپین "افغانستان به روایت دیگر" توسط بنیاد آرمان‌شهر / OPEN ASIA و فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH) به منظور دادخواهی و انعکاس صدا و نظریات افراد مترقی، فرهیخته و شکل دهندگان افکار عمومی در افغانستان راه اندازی شد و به گفت‌وگو با شخصیت‌های برجسته اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در مورد جامعه‌ای نشست که در برگیرنده حقوق زنان و حقوق انسان باشد. این کمپین به مدت ۱۰۰ روز تا انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی افغانستان در سال ۲۰۱۴ در تلاش برای به گوش رساندن صدایی متفاوت از آن چه در افغانستان شنیده می‌شود انجام شده است.

برای انتقال این صدای مترقی از افغانستان با بیش از صد نفر از زنان و مردان کشور که از رسانه و دانشگاه گرفته تا نهادهای مدنی و حوزه‌های هنری صاحب‌نظر هستند، مصاحبه شده است. در این مصاحبه‌ها موضوعات مختلفی مورد بررسی قرار گرفت: خاطرات زندگی و فعالیت‌های سال‌های گذشته در افغانستان، ترس‌ها و نگرانی‌هایی که این شخصیت‌ها برای سرنوشت کشور دارند، مطالبات و آرزوهایی که برای آینده جامعه در نظر گرفته‌اند، تغییراتی که در دوره جدید افغانستان رخ داده است، چالش‌هایی که با آن در حوزه‌های مختلف خصوصاً حقوق زنان دست به گریبان‌اند و مسائلی از این دست به بحث گذاشته شد.

در این مجموعه گفت‌وگو، مصاحبه‌شونده‌ها از زوایای مختلف به واقعیت‌های موجود در افغانستان می‌پردازند. هریک به فراخور تجارب و دیدگاه‌های خود در پی توصیف و تحلیل مسائل مختلف افغانستان، راکارهایی ارائه داده‌اند که گاه بسیار متفاوت از آن چیزی است که از این کشور در اذهان جهانی بازنمایی می‌شود.

### تجارب گذشته

چهره‌های برجسته افغانستان ابتدا با بیان خاطرات نقض حقوق انسانی خود در دوره‌های قبل، تصویر ذهنی لازم را برای شناخت آن چه بر آن‌ها گذشته ارائه می‌دهند که حقوق از دست رفته در دوره طالبان وجه مشترک آن است. آن چه متفاوت است شدت و حدت تجربه‌های تلخ آن‌ها بر اساس شغل، جنسیت، قومیت، قومیت، فضای زندگی و متغیرهای این چنینی است. آن‌ها به آسیبی اشاره می‌کنند که طالبان به بدنه فرهنگ افغانستان زد از جمله سانسور، سرکوب، محرومیت از تحصیل، تحمل تبعیض جنسیتی از دوران کودکی تا ازدواج و اشتغال، جنگ و مسائل ناشی از مهاجرت و در نهایت عدم امنیتی که از وجه فکری و روحی آن گرفته تا قربانی شدن اطرافیان در نتیجه جنگ و خشونت‌ورزی نیروهای ارتجاعی رخ داده است.

### دستاوردهای دوران جدید

نیروهای مترقی افغانستان به نوآوری‌های دوران جدید و برخی دستاوردها دلگرم‌اند. آن‌ها نسل جدید را در بسیاری تغییرات پیش‌گام و توانا تر از گذشته می‌بینند. کسانی که تعلقات قبیله‌ای کمتری دارند، بیشتر به علم‌آموزی همت می‌گمارند، برای آزادی‌های فردی ارزش قائل هستند و در مجموع پتانسیل بالاتری دارند. در کنار این نسل، زنانی هم وجود دارند که با وجود تمامی کاستی‌ها سعی دارند حضور خود را تقویت بخشند. آن‌ها در مکاتب و مراکز آموزشی حضور پر رنگ‌تری دارند. امروزه زنان کنش‌گر بیشتری در نهادهای مدنی

فعالیت دارند و با حضور خود جامعه مردسالار را به چالش کشیده‌اند. برخی معتقدند قدرت حضور زنان در حدی است که به تدریج منجر به عقب نشینی تفکر طالبانی می‌شود.

از نقاط قابل اعتماد دیگر بالا رفتن آگاهی سیاسی ذکر شده که به معنای حرکت در روند ساخت یک جامعه دموکراتیک است هر چند در ابتدای این مسیر باشد. مطالبه صلح، ارائه راه حل‌های مختلف به عنوان ال‌ترناتیو جنگ و خشونت، و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، در میان مردم افغانستان در حال شکل‌گیری و تبلور روز افزون است. اکنون نسبت به دهه‌های گذشته رسانه‌های بیشتر و آزادتری در دسترس هستند، از رسانه‌های مکتوب و تصویری گرفته تا شبکه‌های اجتماعی که جوانان از آن بیشتر بهره می‌برند. همچنین نهادهای مدنی روزنه امید می‌دهند که به رشد فرهنگ دموکراسی یاری خواهند رساند.

## عوامل بازدارنده مشارکت زنان

بیشتر سوال‌های مصاحبه‌ها به زنان و حقوق انسانی آن‌ها و ارایه راهکارهایی برای بهبود وضعیت ایشان اختصاص یافته است. این شخصیت‌های برجسته در تحلیل خود از عوامل بازدارنده مشارکت زنان در جامعه، به نکات مختلفی اشاره می‌کنند. اولین نهادی که در حوزه پیشبرد مطالبات زنان مورد نقد قرار می‌گیرد ساحت فرهنگ و سنت‌هایی است که حامیان آن‌ها سعی در حفظش دارند. خوانش طالبانی از دین نیز زیر مجموعه نهاد فرهنگ قرار می‌گیرد که به اعتقاد بسیاری، بیشترین تأثیر را بر وضعیت زنان گذاشته است. در این میان زنان بنا به آموزه‌هایی که فراگرفته‌اند و عدم دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی ممکن است با خودانگاره‌ای پایین نه تنها توان غلبه بر موانع را از دست بدهند بلکه خود حتی مانعی در راه تغییر باشند. در شرایط عدم استقلال اقتصادی و زیر سلطه فقر و وابستگی مالی به سر بردن، باعث می‌شود خشونت نیز در اشکال مختلف آن مجال بیشتری برای ظهور پیدا کند. از طرفی حاکمیت و قانون در جامعه افغانستان با انتقاداتی مواجه است. قوانین در زمینه احقاق حقوق زنان کافی و مناسب نیستند و به خوبی اجرا نمی‌شوند. این‌ها همه در حالی است که در نبود جنبشی دیرپا، قوی و منسجم، چرخه بی‌قدرتی زنان تشدید می‌شود.

## خواست آموزش دختران

در دیگر پرسش‌ها، بسته شدن مکاتب و موضع جامعه در این خصوص با تفصیل بیشتری مورد بحث قرار گرفته است. نیروهای آگاه به مسائل اجتماعی افغانستان پیش از هر چیزی مطالبه بسته شدن مکاتب را از سمت نیروهای واپس‌گرا عموماً غیر قابل اجرا می‌دانند و با ارائه مستندات از حضور پررنگ نسل جدید و تشویق و همراهی خانواده‌های آن‌ها برای کسب علم فرزندان‌شان این نگاه جزمی‌اندیش را ناتوان و غیرواقعی معرفی می‌کنند. آن‌ها نه مردم بلکه دولت را مسوول جلوگیری از جولان چنین تفکری می‌دانند و معتقدند به علت حضور پررنگ زنان در جامعه در دهه گذشته، پیشرفت‌های صورت‌گرفته قابل بازپس‌گیری نیستند.

## مطالبات زنان

در ادامه بررسی موانع دستیابی به حقوق زنان در جامعه افغانستان، به مطالباتی پرداخته شده که تاکنون از طرف جامعه مدنی و زنان کنش‌گر نیز پیگیری می‌شده است. ارائه تفاسیر معتدل‌تر از دین و تغییر فهم دینی جامعه، روشن شدن جایگاه اقتصادی زنان و ارائه حمایت‌های لازم برای اشتغال آن‌ها، مطالبات حقوقی و تصویب قوانین مورد نیاز زنان همراه با ضمانت‌های اجرایی لازم از جمله قوانین مربوط به تساوی حقوقی و منع خشونت، خواست ایجاد فرصت‌های آموزشی کافی و برابر برای دختران و پسران، ارزش‌گذاری به کرامت انسانی زنان و مصونیت اجتماعی آن‌ها و همچنین ضرورت حضور و مشارکت سیاسی زنان در مناصب مهم تصمیم‌گیری در صدر مطالباتی قرار دارند که بخش مترقی جامعه افغانستان آن‌ها را به روشنی برمی‌شمرد.

اما برای پیشبرد مطالبات حوزه زنان چه منابع قابل اتکایی وجود دارد؟ برای پاسخ به این سوال هر یک از افراد بر اساس پیشینه و نوع فعالیت خود، نهادها و منابعی را معرفی می‌کنند که می‌توان آن‌ها را این‌گونه تقسیم‌بندی کرد: 1. نهادهای مدنی: بیشترین تأکید روی این نهادها به عنوان منابعی قابل اتکا صورت گرفته است. بسیاری این نهادها را اگرچه قابل نقد و هنوز ضعیف توصیف می‌کنند اما با این حال به اهمیت وجود آن‌ها و تأثیرات‌شان واقف‌اند. 2. نهادهای دولتی: برخی به علت عدم قدرت بایسته نهادهای مدنی، از پارلمان و نهادهایی مانند وزارت امور زنان و برخی از نهادهای دینی در کنار نهادهای مدنی استقبال می‌کنند. 3. توانمندی‌های فردی زنان هم برای بسیاری مایه دلگرمی و اعتماد است که به نظر برخی از کنش‌گران، با حمایت مردان مستحکم‌تر نیز خواهد شد. گرچه در این میان عده‌ای نیز به نمایشی و محدود بودن برخی از این منابع اشاره دارند اما با این حال وجود برنامه منسجم برای تغییر اصولی وضعیت زنان را در جامعه لازم می‌دانند و ایجاد آن را از وظایف فعالان حوزه‌های مختلف جامعه برمی‌شمرند.

## نگرانی‌های موجود نسبت به آینده

از میان ترس‌ها و نگرانی‌هایی که در این مصاحبه‌ها برشمرده شده‌اند، بیشتر می‌توان به نگرانی‌های سیاسی و آن هم مشخصاً هراس از بازگشت و قدرت گرفتن نیروی نظامی واپس‌گرا اشاره کرد. نیرویی که پیش از این در افغانستان با ایجاد استبداد مذهبی، اعمال خشونت، نقض حقوق اساسی انسانی و گسترده کردن اختلافات داخلی حکومت کرده است. گرچه منظور از بازگشت به گذشته در میان چهره‌های برجسته افغانستان فقط وجه سیاسی آن نیست بلکه حضور یک تفکر ارتجاعی در سطوح پنهان‌تر جامعه نیز می‌تواند عامل نگرانی تلقی شود. برخی این مساله را در قالب تفاوت‌های نسلی می‌بینند و نگران تعارض نسل جدید با افکار جزمی نسل گذشته هستند. چنین نگرانی‌هایی امنیت روانی، جانی، اقتصادی و سیاسی جامعه را به خطر می‌اندازند که تبعات عینی آن در سکون و عدم پیشرفت تجلی می‌یابد. این ناامنی دستاوردهای نوظهور را با تهدید مواجه می‌کند و به نوبه خود منجر به آسیب به تفکر یا حقی می‌شود که هنوز در جامعه نهادینه نشده و نتوانسته در فرصت مناسب ریشه بدواند.

هراس از نگاه سنتی جامعه به زنان و تحت‌تأثیر قرار گرفتن شدیدتر آن‌ها از جنگ، بحران و بی‌ثباتی شرایط سیاسی از دیگر نگرانی‌های جامعه مترقی افغانستان است. آسیب‌پذیری بیشتر زنان در این مقطع کنش‌گران را بیم‌ناک از دست دادن همین تغییرات در حوزه زنان می‌کند. از بین رفتن وحدت ملی و عدم شایستگی دولت‌ها در مدیریت درست سیاسی به علت نداشتن سیاست شفاف، بی‌برنامگی و عدم وجود چهارچوب مدون و اصولی ممکن است در نهایت منجر به ناامیدی مردم نسبت به تغییر بیانجامد که به ظن عده‌ای می‌تواند بیشترین آسیب را به فضای عمومی جامعه وارد سازد.

## پیام کنش‌گران چیست؟

پیام چهره‌های کنش‌گر جامعه افغانستان از تیره و روشنی روزگار این کشور حکایت دارد که با وجود سختی‌ها، رنج‌ها، نابرابری‌ها و خشونت‌هایی که در افغانستان پررنگ است، نگاه مثبت و امیدبخش خود را به همراه راهکارهای مترقی و اثربخش برای ترغیب به تحرک و تشویق به انجام فعالیت‌های سازنده با این گفت‌وگوها به جامعه خود رسانده‌اند.

کسب دانش و آگاهی، حفظ وحدت ملی، ترویج فرهنگ گفت‌وگو، مثبت‌نگری، پرورش درست کودکان که شاکله آینده جامعه هستند، تشویق بازگشت مهاجران به وطن برای ساختن افغانستانی آزاد، ترغیب حضور نسل جدید در عرصه‌های مختلف با انسجامی بالا، کنار گذاشتن معیارهای قومی، مذهبی، زبانی و قرار دادن معیار انسانیت برای سازماندهی اعمال و رفتار فردی و جمعی، ترویج فرهنگ نقد و پرسش‌گری و در حوزه زنان؛ تشویق آن‌ها به دفاع از حقوق انسانی خویش، تقویت ظرفیت‌های فردی برای حضور پرثمرتر در اجتماع تنها بخشی از پیام‌ها و آرزوهای است که صدای مترقی افغانستان برای آینده کشورش دارد.

افغانستان امروز شاهد حضور شبکه‌ای از افراد، جنبش‌ها، نهادها و شخصیت‌هایی است که رفتار، ارزش‌ها و سبک‌های متفاوتی از فرهنگ شناخته و معرفی شده این کشور دارند. نسل آینده نیز با باورمندی به ارزش‌های متفاوت از جامعه سنتی گام برمی‌دارد. شناخت و پذیرش این بخش از جامعه برای تحلیل‌گران، سیاست‌گذاران و صاحبان قدرت، نه تنها لازم و مهم تلقی می‌شود، بلکه اجتناب‌ناپذیر نیز به نظر می‌رسد چرا که حالا فضا و بافت اجتماعی کشور با گام‌هایی که زمانی تند و پرسرعت و زمانی صبورانه پیش می‌رود، در حال دگرگونی و تغییر است.

مجموعه این ۱۱ مصاحبه را به روایت ویدیو و تصویر ببینید:

<https://goo.gl/KLhDCQ>

مجموعه مصاحبه‌های این کمپین را بخوانید:

<http://goo.gl/gPyBVr>